

که خلق همه چیز نزارد همه از کسی باید خواست که همه دارد.

مقتضد خلیفه فرمود - هر شیخ زبان که در شکر گذاری کند باشد او را بزبان تیغ سزا باید داد -

افلاطون فرمود - سزاوار نیست ادیب را که غیر ادیب را خطاب کند بد رشتی بلکه بر فرق و مدارا چنانکه اهل هوش ستان را بجلالت و زری خطاب کنند -

عرب فرمود الحسد یقتل الحاسد قبل ان یصل الی المحسود یعنی

حسد حاسد را میکشد قبل از وصول بدان چیزیکه بر او حسد برود -

بزرگ جمهر از او ستا و پرسید که کدام عاقلتر از مردمانست گفت هر که کم گوی و بسیار دانست -

فاضلی فرمود - که انصاف برین مقتضی خواهد بود که بکلام قابل استبول بر قائل نظر نماید نمود -

نکته از طعن و تشنیع عوام کالانعام عبار مطلق را بخاطر راه داوود لالی ارباب مهت نخواهد بود -

تنبیه آوسیرا باید که در اختیار کردن صحبت دوستان مینشینان کما ذکر کرد در سرت آنها بواجبی

عرب فرمود العداوة فی الاقارب کالتسم فی العقارب -

یعنی دشمنی در نزد یگان مانند زهر است در کژدمها -

لقمان حکیم را پرسیدند که ادب از که آموختی گفت از بی ادبان که هر چه از افعال ایشان

در نظر من ناپسند آمد از آن احتراز کردم -

فائده آنست که لازمست که وقت تو غل اقبال خیال تنزل هم داشته باشد که اکثر غفلت

بکمال رسیدن

باعث نزول زوال میگردد -

حکیم فرمود هیچ انصافی بالاتر ازین نیست که آدمی خود را منصف خود باشد یعنی ویکه حال

خود را ناشائسته بیند خود را حدیث منع زند -
زود ۱۱ ملامت ۱۲

عقیق گفته - بر هر چیز که فخر و مباهاات و زرا و سلاطینت اصل آن همه طفیل غر با و ساکن است -

ارسطو فرمود - هیچ رنجی از حد عظمی تر نیست چه مرد حسود و پیوسته - از مکننت و نعمت
 مردمان در محنت و زحمت می باشد -

خواجگه علی رامتنی را پرسیدند که ایماں صیبت فرمود که در پیوسته مصرعه یعنی از خلق کنی و در نماند پیوسته

عقیق گفته - که اهل و غل اکثر مردم غافل را که بفریب می آرند ازین ثابت میشود که عالم الغیب را
 بالکل غافل می پذیرند -

بزرگمهر فرمود - حکیمیکه زیاده بر حاجت خود طلبید او را علم حکمت نماند بخشید و ذائقه آن نماند او نچشید -

حکیم ابو عثمان دمشقی فرمود - از علما بر که فروتنی زیاده خواهد بود همان در غل زیاده خواهد بود -

لطیفه جوانی پوست پلنگی بر زمین اسپ انداخته بقاخر میرفت حکیمی دید و بجنبد و گفت این
 پوست را بر پشت پلنگ نگذاشتند پر پشت اسپ هم نخواهند گذاشت -

عرب فرمود *الولد الرشید یقتدی بآبیل الحمید* -

یعنی پسر رشید پیروی میکند به پدر استوده خود -

لاریب مردم نادان و بی پروا سبب حماقت خود با خود را ملامت کمتر میکنند -

حکیم فرمود - هر آنچه پیش مردم راست باز دلیل نیکو بود پیش مفسدان زبوں و ذلیل -

لهواسپ فرمود - بیماری برخی مردمان مایه تندرستیست چنانچه گوشمال مردمان کوشش

مایه آسودگی خود آنهاست -

اوسط اطالیس نہ ہو۔ کسوت علم بطبع ثروت پوشیدم چون بزرگی بل خوشم
نیاید از ان تحصیل علوم کوشیدم۔

عتیق گفتہ بہر معاملت کہ خلاف راستی ظہور خواہد نمود در ان خوف و ہراس داخلی ضرور خواہد بود۔
افلاطون فرمود۔ اگر چیزی بستمق دہی اورا محتاج سوال نگرداں۔ در استخفاف ذل
طلب و مجتہت سوال کا نیست۔
خواری

عالمی فرمود۔ سخا و کرم اسراف نیست چہ ہر کہ بر رضای خدای بہ مال مال و دولت را بشترت
خط نفس صرف کرد اسراف کرہ۔
بے مانند

فیثاغورس فرمود۔ لائق نیست ترا کردن چیزیکہ ہر گاہ ترا باں سزائش کنند در خشم شوی۔
عتیق گفتہ بہر مادہ کہ فخر و مہابات را کار فرمائید۔ فخر و مہابات عظمت آن مادہ را بی اعتبار مینماید
دیوجانس کلی فرمود۔ سلیکہ از خداوند خود بیری و عقب تو گردید اورا در کن کہ روزی
ترا نیز بگذارد و پی و گیری گیرد۔

حکیم اومبرس فرمود۔ اگر اصلاح و مشورت نقصان برسد بدانید کہ لائق آن نقصان بودید۔
موسی علیہ السلام بیان نمود کہ حضرتعالی فرمود۔ ہر کہ بر ظالم دعای بد نمود حق خود حاصل فرمود۔
حکیم ابو محمد حریفی فرمود۔ ہر کہ بغرور دولت با ارباب مجتہد استوار نمازد خواری و بی اعتبار ماند۔

عتیق گفتہ بچنانیکہ ستمی از اقسام کمالی اقدری نخواہد بود۔ در ان مقام وال آن کمال تاخیری نخواہد بود
حاذقی فرمود۔ اگر دوست خود را بادش خوب بینی ناخوش مشو کہ خاصہ دوست بر خیر تو
اگر محل اعتماد نیست محل اتحاد نیست۔
سیت

حقیقتی مقدمات اینها را بکمتی انتظام داده است که هیچ یکی از افراد انسانی اگر چه محقر بود هرگز بیفایده نیست
سقراط را پرسیدند که چرا بغزالت میگذرانی گفت در تنهای حواس ظاهر و باطن جلا میگیرد و قوت
ویرا که صیقل میپذیرد -

وای بر کسی که خود را بدست خود در محنت و بلا انداخت و بعد از آن ناچار شده از دشمن مدد خواست
فیثاغورس فرمود - پاک نفس وقت خلوت با موسیقی از دیگران هم زیاده تر از خود شرم میکند -
حکیم فرمود - مردم فرمایند که کمتر متکبر میباشند و شرف دیگران را بخود نسبت میکنند -
نکته در خدمت و در حرف مخالف پر دختن خالی از مضرت گونه نخواهد بود -

ارسطاطالیس را گفتند که مال جمع میکنی و این سپندیده حکما نباشد گفت حکیمان مال
از بهر آن جمع میکنند که محتاج لیسیمان نشوند -

دانشمندی فرمود - هر چیزی را با اندازه قدر آن ستایش باید نمود زیرا که بعد از آن
زمان حقیقت آن روشن و نادانی تو مبرهن خواهد بود -

هوشناک فرمود پادشاه راستی نشاید چون او نگهبان کشور است و ثابت نیست که
نگهبان درگیری نگهداری کند -

داوید فرمود - آنکه در دوستی ترا ستایش کند بجز بکی در تو نباشد در روم و شمنی نیز
بدگویی کند بجز بکی در تو نباشد -

فنا صبح فرمود - لباس پاکیزه و تن چرکین نزد عقلا قبیحتر بود چه نفس را با خلایق نویسم
گذاشت و خود را بلباس نفیسه پر استن نیکو نباشد -

افراطوں فرمود۔ چون بادشہس آغازِ محاصہ کئی از اطاعتِ غضبِ حذر کن کہ آن از دشمن ^{مستتر}
 حکیم فرمود۔ شناختِ نیکو کار ہمیں ہیں کہ بکہ اطاعتِ تو میفرماید و بکہ نافرمانی سینما یا اگر
 تا بہت در کار ای غیر نیست والا غیر۔

عرب فرمود الاستعارة من المستعير كالمسئول من الفقير

یعنی عاریت گرفتن از رعایت گیرندہ مانند سوال کردنست از محتاج۔

شاہ ولی اللہ محدث دہلوی فرمود۔ کارِ عاقلان و حکیمان اینست کہ فقط استیفای لذت
 مقصود نباشد بلکہ ایمنی اقامت آن دفع کدھی حاجت یا فضیلت یا باوایی کدھی سنت و قعود۔

عرب فرمود عادات السادات سادات العادات

یعنی عاداتہای سرداران سردار ہای عاداتہاست۔

سقراط فرمود شرم نباید از آنکہ جس را قبول کنی از ہر کہ باشد اگر چہ نکو سید صورتی باشد
 چرا کہ جس در نفس خود عظیم المنزلت۔

دیوجانس کلی را یکی دشنام داد جواب گفت گشتند چہ تجمل ساختی و بسز انہر داختی
 گفت اورا ہمیں سزا بہت کہ دشنام میدہد۔

بزرگی فرمود۔ جاہل چون غرقتست اورا از دور نصیحت کن کہ اگر ہلاکشود ترا با خود نہرود۔

اقلیدس فرمود۔ بپنفس اظہارِ بدی و اذہای نیکی مردمان سکیند چنانکہ گس اکثر بر مای مخرج
 می نشیند و بردوست کمتر۔

نکتہ وہیں متوسطا با مجاہدہ و استقلال از ہنس سہا کہ ہمیشہ ثبات و مقامت متصف نباشد بہترست۔

ابوبکر و راق فرمود - اگر مسلمان بی بهایوی تو نشیند مگس از خود مران که سبزه یا پریز و درویش
گویند همین نیت مگس بر وی هرگز نشستی -

ذوالنون مصری فرمود عجب ویت آنست که بنده او باشی همه حال چنانکه او خداوندت به حال

عرب فرمود وَعَدُّ الْكُرَيْمِ الْكُرْمُ مِنْ دِينِ الْغَرِيْمِ

یعنی ز عدد پورانمرد لا اترست از قرصه قرصخوانم

علی کرم الله وجهه فرمود - میان روی در توانگری و درویشی باعث استند و سیانت
و ننگ داشت خودت از بلیات و مکر و هاست زمانه -

مقوله هر مرضی را زود در پی آن شفا که علت زایل میشود و بر عادت دل مایل -

شیخ زین الدین خلد آبادی فرمود - نیکروان تربیت مردان از عورت مرضه آموخته اند اگر
مرضه از ناخوردن پارسیند فرزند صالح شود و الا آنچگونه در فرزند اثر کند -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود هر خوراکم کند یا دست او گیرد یا با او کنار گیرد و صفتها چهل سال عبادت
او ناچیز گردانند

رابعة بصریه فرمود معموری اوقات اول زین عرفان الیست چه حفظ اوقات افراط از عبادت
ست که ازال عمر تری میگیرد و امور دنیا و عقبی درستی میپذیرد -

عرب فرمود الْمَرْءُ عِنْدَ الْاِمْتِحَانِ يَكْرَهُ اَوْ يَهْتَمُّ

یعنی مرد نزدیک آزمایش بزرگی کرده میشود یا خوار کرده میشود -

علی کرم الله وجهه فرمود - بیشتر با کت عقول بیرون طمست چهری بر چیز که برافتد نابود
گرداند و طمع هر که را سخگردد عقار نابود گرداند -

نودر زبیر منوچهر فرمود۔ فرزند تا قایل بانگشت زاندمستمايد اگر پيرند و رو پيدا آيد اگر گزارند بنمايد
ابوالحسن قوسجی فرمود۔ ورنيا هیچ چیز ناخوشتر از دوستی نیست که دوستی وی
بغرضی باشد یا بعضی۔

حکیم سولون فرمود۔ هیچ از افراد انسانی پیش رحلت از دار فانی نمیتواند که خود
را بهتر و خوشتر نصیب گویند۔

ابوسلیمان رضی الله عنه فرمود۔ مرا یاری بود چون از چیزی مطالبیدم کیسه پیش من مینهاد
روزی گفت چه مقدار دهم از آن روز آن خلوت دوستی که داشتم نماند۔

لقمان حکیم فرمود۔ از سستی عقل آدمیت که پیش از آنکه امری را استوار سازد باظهار آن پروازد۔
عرب فرمود من لم یؤدیة الا بوان اذ به الزمان

یعنی کسی که ادب نداد پروا در ادب داد او را زمانه۔

ادریس علیه السلام فرمود۔ چون خواهی که با کسی طرح دوستی افکنی نخست او را بغضب آر
اگر در غضبش نرفتت لاین صحبتت۔

جالینوس ابلی را دید که دست در گریبان دشمنی زده بچرتی میکرد و گفت اگر این دانا
بودی کار او بانادا ان بدینجا نرسیدی۔

ذراة بن اوفی را شخصی بعالم رو یادید پرسید که نزد تو کدام عمل فضیلت گفت
رضا بقضا و قصر امل۔

حکیم فرمود۔ نهان خود با سپیدی در میان نه چه بسا باشد که در دوستی خلل گردد و دشمنی بدل گردد۔

بزرگی را پس پدیدند که راست را با راست صحبت میباشد تیرا با کماں موافقت چگونه آمد
گفت راستی ز به وقتیکه ز به بصورت کماں گردونی الفور از صحبت او میگریز و
سه شمار مذاہل دل این نکته را راست که کج با کج گراید راست با راست

عرب فرمود عِلَلُ الْاَفْهَامِ اَشَدُّ مِنْ عِلَلِ الْاَجْسَامِ

یعنی بیماریهای فہما سختترست از بیماریهای بدنما۔

صاحب بن عمید استکیه خوشنویس فرمود۔ شراب اصل کلید فسق و فجورست که پیش
من نوشش قفل درهای بلا و اسیب باشد۔

بقراط فرمود۔ بزرگترین سلطان انست یار نماید باید که با امانت او مضطر نشود که خواص را
از چشیدن آب شور چاره نیست۔

حکیمی فرمود۔ که حسود همیشه در رنجست و با پروردگار خود تیر زنج که برتست دیگران گره بر او
رسول صلی اللہ علیہ وسلم فرمود۔ دور باشید از غیبت که غیبت از زنا بدترست تو باز
پذیرند و از غیبت پذیرند۔

فینا غورس فرمود۔ کسیرا که اول بدوستی گرفتی و بعد از آن در یافتی که اہلیت آدمیت
ندارد با او چنان سلوک باید که بدشمنی نگراید۔

سعادی فرمود۔ یکی از حکما شنیدم کہ میگفت ہرگز کسی بھل خود اقرار نکرده مگر آنک کہ چون
دیگری در سخن باشد همچنان تمام نگفتہ سخن آغاز کند۔

جانای فرمودہ۔ دانا را چون بر حقوں حق تعالی نظر افتد و قدری دل دانا و گوش

شنا و چشم بینا دار و امر و نهی اور اور حی و خواصاں غلطی ہم نپارو۔

بہاء الدین نقشبند رحمہ اللہ علیہ را پرسید کہ سلسلہ شاہا کجا میرسد فرمود کہ از سلسلہ حسن بجا نیرسد
شیخ ابوالحسن خرقانی روزی با صحاب خود میگفت کہ چه بهتر بود گفتند شیخا ہم تو
بگویی گفت ولیکہ ہمہ وقت یاراں باشد۔

ابومنصور را پرسیدند کہ برای غسل باب رویم رو بکدام سمت کنیم گفت بجا ہما خود کہ در زبڑ
و برہنہ نشوید۔

شاه ولی اللہ محدث دہلوی فرمود۔ در مجلس بگوئی کہ اہل پورپ چناں و اہل پنجاب
چنین و مغول چناں و افغان چنین شاید از قوم کسی از اہل حمیت باشد بدشکنی او صحبت منقص گردد۔
سقراط فرمود۔ خلاصہ تمام حکمت خوشنویسیت کہ از ان امنیت و سلامت حاصلست باعث الفت ہزل
حکیم فرمود۔ برای وسعت معاشش جمع مال از وجہ حلال شرعاً مستحسنست کہ از آدمیاں
بینا زوازدلت باز میدارد۔

ارسطور را پرسیدند کہ بلاغت چیست گفت اقلال لفظی اخلاص معنی
یعنی کم بول الفاظ بدیندرجہ کہ در معنی خللی نباشد۔

عرب فرمود الْعِلْمُ حُلِيَّةُ الْفَقِيهِ وَالْجَهْلُ حُلِيَّةُ السَّفِيهِ

یعنی علم زیور و اناست و جہل زیور ناوانست۔

حق سبحانہ تعالی او امر و نواہی کہ نافذ فرمودہ محض برای اصلاح معاشش و معاد
انسانست نہ بہت فلاح ذات و صفات خود۔

جالیونوس فرمود۔ چنانکہ آدمی بدم پیری باوجود تغیر حال و خوب مرگ از علاج باز نمی آید۔

همچنان لائقست کہ ہر چند نفس بر کس کمال قادر نباشد بقدر طاقت از کوشش باز نیاید۔

ذکر یا علیہ السلام فرمود۔ حق تعالی سیر نماید کہ حاسد دشمن نسبت بمنست و بر قضا و من خشم

گیرد و نسبت یکہ میان بندگان کرده ام نمیبندد۔

ارسطاطالیس از جوانی صاحب جمال سوال کرد جواب ترشش و ابلہانہ بشنید و گفت

بیت حسن لوکان فیہ ساکن یعنی خانہ خوبست اگر کسی در آن بودی۔

حکایت شخصی سلطان العارفین بایزید بسطامی را گفت کہ پارہ پوستیں خود میں دہ تابرکات

آن بس رسد شیخ فرمود اگر پوست بایزید پر پوشی سووت نہ ہر تا عمل بایزید نکھی۔

تنبیہ اگر چه آسیاں سکارا بناؤ جنس خود را فریب میدہد اما پیش داور دادار کہ

سہ کہ پیدا و پنهان بزوشش کمیت * بکیفر کردار گرفتار خواهند بود *

عمر رضی اللہ عنہ فرمود۔ مرد را هیچ بہتر از عقل نیست کہ ہدایت کند مصاحب خود را برہ

راست و باز دارد او را از گمراہی تمام بدستیکہ تا کامل نشود ایماں مرد مستقیم نشود وین اوگر کمال عقل

نکتہ در خبرست کہ خدا تعالی بد او علیہ السلام وحی کرد کہ قوم خود را بگوئی کہ پادشاہاں عسرا

بذگویند کہ ایشاں جہازا تبدیل آباداں کردند تا بندگان میں دراں نیک زندگانی میکنند۔

سلطان المشایخ نظام اولیا۔ فرمود۔ کہ در واقعہ کتابی یا تم در ان نوشتہ بود کہ

تا امکان بدلی راحت ساں ازین رو کہ دل موس محل ظهور ربوبیتست۔

نکتہ خدا تعالی فدای قیامت باندہ از بفلسی و بیایگی شرمندہ گوید کہ فلاں دانشمند

و عارف رہا ہمیشہ ناختی گوید آری فرماں رسد کہ ترا بونی بخشیدم۔

سید الطائفہ جنید فرمود۔ حکایات المشایخ جنداً بین جنود اللہ یعنی سخماں مشایخ و علم

و معرفت اسخ شکریت از شکر بائی استعالی کبشور ہر ان کہ غنا عزیت تا فنا نفس ہر از روی دہر ہریت بافت

ارسطو فرمود۔ یاری ہوا کہ سیکہ میل محبت تو کند تا آنکہ نہ انی غرض اور اگر محبت باقیست باوی ہست

کس و اگر عارضیت با او ہنشیننی مکن کہ ہر گاہ غرض بر طرف شود دوستی بر طرف گردد۔

حکما گفتمہ اند ہر کہ ترا لمویہ و شنیدہ تملس بکار برد بران فریفتہ مشو کہ او غرضی از اغراض نفسانی با تو

متعلق وارد اگر آن روا نشود ترا رسوا کند۔

بشریحانی رایچی گفت کہ مراد عاکن کہ عیال دارم و بیچ چیز نزارم فرمود و رآن حال کہ عیال ترا گوید کہ

انفقہ نیست و دل تو از ان بدر و آید ان زمان مراد عاکن کہ در آنوقت دعا تو فاضلہ بود از دعای مس۔

سقراط فرمود۔ و بحیم از کسیکہ داند و شناسد فنا و زوال را۔ دنیا چگونہ بازی میدہم اورا و نغال

میکرد اند از چیزیکہ فنا و زوال برابران راہ نیست۔

باب الثانی

امام شافعی فرمود۔ تواضع محبت و قناعت راحت میفراید۔

صاحب دلی فرمود۔ در مہاں سنگر کہ کبیت در کرم خود نگر کہ مقتضی چیست۔

ضرب المثل۔ ملاشدن آساں و انسان شدن مشکل۔

علی کرم اللہ وجہہ فرمود۔ دل احمق در وہیں و زبان عاقل در دل۔

حکیم مہادرجیس فرمود۔ چنانکہ علم و ادب نشان سعادتست۔

همچنان بر و باری و فروتنی با عیثِ قدر و منزلت -

ضرب المثل خدا میبندد سیو پشته همسایه نمیبندد مخینر و شد -

گو در زین پلاس فرمود - نادان را به از خموشی هنری نیست -

بیزن پسر او چون این سخن بشنید گفت اگر نادان آئیننی را به اند نادان نیست -

حدیث نیکوی گسند در حق مادر و پدر خویش تا نیکوی دگسند سپران شهادت شما -

سعادی فرمود - همه کس بر عقل خود بکمال نماید و فرزند خود بجمال -

حکیم اسفیوف فرمود - عالم بپیل و عابد بمعرفت چون گاو و عصارست -

بزرگی فرمود - علم اندک بعمل بسیار بسیار - و علم بسیار بعمل اندک اندک -

حکیم فرمود حیوان بیشتر بانی و انسان بزبان سخنتمتیها کشند

عاقله فرمود - بنیاد دوستی استحکام نپذیرد الا بتواضع و بردارند تو او رسید الا بصبر

بطلمیوس فرمود - قید خانه جسم مرض و ستم - و قید خانه روح ریج و غمست -

گشتناسپ فرمود - بیدانشان چون گو سفندان و دشمنان آنها را نگهبانانند -

حکیم فرمود - زن خوب قیمت ندارد - و زن بد هم قیمت ندارد یعنی هیچ نمی ارزو -

حاذقی فرمود - حسن و تسبیح انسان بمعاملات تو او شناخت نه بملاقات -

سقراط فرمود - خاموشی که سوال کسی کلام کند از او گویا بهتر است که بگفتن کسی خاموشی گردد -

سعادی فرمود - شیطان با مخلصان بر نیاید و سلطان با سفاسان -

رسول صلی الله علیه و سلم و عا فرمودی بار خدا یا خلق من نیکو آفریدی خلق من نیکو گوی -

نصیحت مجلسِ علماء و صحبتِ حکمانیکترین جاها و کارهاست -

دارا ب فرمود - نباید فرزند با بجزد پیکار کند - و بسیار با مست کارزار نماید -

شاپور فرمود - پاکدامنی بزبیری خدا دست نهد - و دانش منجواست او پیدانشود -

محقق فرمود - علم بجهل بیگانگیست - و عمل بایم دیوانگیست -

فاضل فرمود - عالم گفتار و در عالم بسیار - اما عالم کردار بودن بس دشوار -

سقراط فرمود - کسیکه از خدا ترسد از همه کس ترسد - و کسیکه از خدا ترسد از هیچکس ترسد -

نکته عارف برود و رنج شادی میکند - چون عامی که بر حصول گنج مبارکبادی -

حدیث ایمان راست نمیشود و عادل راست نباشد - و دل راست نمیشود و نازبان راست نباشد -

بزرگی فرمود - در تندی و تیزی قوت مطالبست - و در لجاجت نقصان مراتب -

خسرو پرویز فرمود - شکرکننده را نعمت دهد - و نعمت دهنده را شکر گوید -

هوشنگ فرمود - تمکارت پمانست اگر چه تایشش کنند - و ستماکش آسوده است اگر چه سزایش نمایند -

حکماء متاخرین فرمود - خموشی به از سخنست - و سخن نیک به از خموشیست -

حکیم فرمود - مرگ نیکو کار آسودگی است - و مرگ بد کار آسودگی جهان -

مداققی فرمود - امروز بهان به که فردا بکار آید - و فردا بهان بکار آید که امروز بجهل آید -

ابوعثمان دمشقی فرمود - عقل سبب صفای نفسست - و جهل باعث کدورت -

عاقلی فرمود - آغاز دوستی نیک گفتنست - و آغاز دشمنی بد گفتن -

حکیم فرمود - عاقل دانسته میشود بسیار خاموشی و جاهل دانسته میشود بسیار گفتن -

افلاطون فرمود - از دوستان رنج بردن و افشای راز آنها کردن آثار ضعیف است -

بزرگی فرمود - ذکر جوانی در پیری و ذکر توانگری در فقیری راست نیاید -

دیرجانس کلی فرمود - قناعت بقلت مال عزتست - و حرص بکثرت مال ذلت -

خلیقه فرمود - خوشخویش بیگانگان - و بدخویش گانه خویشان -

حکیم فرمود - چشم و گوشن همایگان در لبارت و سماعت از چشم و گوشن ما تبرست -

سید احمد رفاعی فرمود - همیشه زبانش خود را از گفت و شنید بزدگاه باید داشت -

محقق فرمود - آدم قابل هر جا که رود عزیزست - و جاہل در وطن ناچیز -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود - مؤمن مزاج کن شیرین سخن - و منافق ترش و دگره برابرو -

سقراط پرسیدند چه نزدیک است گفت اجل گفتند چه چیز دور است گفت حصول امل -

نکته کبیره با ستغفار صغیره است و صغیره با صرا کبیره است -

رسول صلی الله علیه و سلم فرمود الْعِلْمُ ثَمَرَةُ الْإِيمَانِ وَسِرَاجُ الْإِسْلَامِ

علی کرم الله وجهه فرمود - معرفت بعلم محال - و علم بمعرفت وبال -

خواجہ عبد الله انصاری فرمود - طمع از هر که کردی ایراد گشتی - و منت بر هر نادمی امیر گشتی -

صالحی فرمود - توبه از عصیان آنگاه سزاوار است که خود را بصالحان شماردی و منت

برو نگذاری -

حدیث حکمت زیاده میکند شرافت شریف را - و بلند مرتبه میکند غلام راحتی که میزند او را

بجاسس پادشاهان -

امام فخرالدین رازی فرمود - صاحب بروت سخن که میگوید راست میگوید و وعده که میکند ایفا میکند
عابدی فرمود - شرط زندگی آنست که اگر بچاه افتی چشم خود را ملامت کن - و اگر بچاه
آئی منعم را شکر نعمت کن -

حکایت شخصی از اسکندر چیزی خواست فرمود از حوصله تو زیاد است گفت از حوصله تو
زیاده نیست فرمود که بلوند -

تذیقه فرمود - پاکان باطن را بنا پاکی ظاهر چه کار و پاکان ظاهر را بنا پاکی باطن احتیاج بسیار
حدیث مهر که بر خداستعالی و روز قیامت ایما ندارد و او را باید که سخن نیک گوید یا خاموش ماند -
حکمت فرمود - مهر که از مردمان گرفت بنیاست و مهر که از خود گرفت و اناست -
سلیقه بمعنی سرست و طبیعت و آن برد معنی امر سکینه اول هر چیز را بر جا او دار - دوم هر
کار را بر وقت او بجا آر -

عنیق گفته - عیبهای دیگر از حساب آوردن نهایت ستمت و عیوب خود را انتخاب کردن
بنهایت مشکل -

صاحب دلی فرمود - قول مطابق فعل و فعل موافق قول بودن اعلی شناخت عارفان خدا
خدا دوستانست -

حکمت فرمود - لازمست که دوست دوست را دوستداری - و نه لازمست که دشمن دوست را
دشمن داری -

فیه اشغورس فرمود - زنده آنست که در زندگی مرده - و مرده آنست که خود را زنده شمرده -

اسخیلوس حکیم را پرسیدند که چرا از نیکبختی گفت از اصلاح نفس خود عاجزم باصلاح
دیگری نتوانم که پروا از من -

حکیم ابو محمد حرق فرمود - زبان کلید اسرار دست - و دل خزانه اسرار است
اماد و زبان اکثری لالی این کانیست -

سقراط فرمود - وقت جنگ آهن از طلا بیش بها میباشد - و عقل از طلا همه جایش
بها میباشد -

شیخی فرمود - آدمی پیر آنکه شود که سیاهی از دل او دور شود نه سیاهی از موی
بر حال او که رو سپید و دل سیاه گردید -

بطلمیوس فرمود - نیکبخت آنکه از حال او دیگران پند گیرند - و بدبخت آنکه از حال او
دیگران پند گیرند -

سید احمد رفاعی فرمود - آنکه میدانند که پروردگار هر چه خواهد بسیار پس کار خود را
بکار سازد مقدر میسپارد - و پیشانی خود بر خاک تسلیم میکند -

امام فخرالدین رازی فرمود - هیچگاه بر حال خود نظر کرده عجب کنی که فیض و آیه است
غیر تناسیست (و بهتر ازین منتظر حال باش -

حکیم جنین بن اسحاق فرمود - هر که از خواری و مذلت دنیا خواهد ترسید سعادت اخروی
نخواهد رسید -

عاقلی فرمود - خود مندر ابرو و کس حیف آید قایلیکه کسب کمال نکوشد و ناقابلیکه

بکسبِ کمال بچرشد -

سقراط را پرسیدند که شاگرد شما چه وقت بکمال میرسد گفت آنوقت که بتایش
خوشحال و بکلاست نغمین نگردد -

اسکندر فرمود - چه ذلیاست گفتن و نکردن - و چه بیلیست کردن پیش از گفتن -

فاضل فرمود - خواننده علم اگر کمتر باشد بهتر گردد - و اگر درویش باشد توانگر گردد -

حکیم فرمود و خموش باش تا احتیاج بگفتن نباشد سخن گوی در جائیکه خموشی ضرر نماند -

سید احمد رفاعی فرمود - کسیکه بنده پناه می آرد جلیل میگردد - و کسیکه بجز خدا بر دیگری
اعتماد میکند ذلیل میگردد -

حکیم عیسی بن علی جراح فرمود - که بتنگدستی و سختی با علمای سر بردن بهتر است بجمیعت
و فرآن دستی با جهلا اوقات خراب کردن -

رسول صلے الله علیه و سلم فرمود آدمی پیشتر شود و چیز درو باقی ماندگی حرص - دیگری امید -

عتیق گفته که عقل همه ذلیل در هر کار در کار است و عقل برای عدل بسیار در کار -

در خبر بنشیند بر کسیکه از شما فروتر است تا رحم کند بر شما کسیکه از شما برتر است -

ادریس علیه السلام فرمود - عاقل همانکه طالب حکمت و اسرار باشد و بصیبتیکه همه شامل باشند
بقرار نباشد -

افلاکون فرمود - چندانکه و اناتر باشی خود را نادان شمار و آنچه ندانی با موصوف آن شرم مدار

بزرگمهر فرمود - آنچه در دست منست نماند که از بهر کسیست و آنچه نصیب منست

بند انم که در دست کیت -

علی بن حسین هندامکنی فرمود - آدمیرا باید که بوقت جد و جهد قوی - و بوقت هرزه و نزل ضعیف باشد -

بقراط فرمود - داناترین مردمان آنست که بحالت عسرت دل تشنگ نشینند و در لتهای دنیا را بر نعمتهای عقبی نگزینند -

سقراط فرمود - حاصل کار با تدبیرست و اصل تدبیر تقدیر - تقدیر بر تدبیر غالبست که آن علویست و این سفلی -

صاحب دلی را پرسیدند که آن چه چیزست که از جاها عزیزست گفت دیندار را سخاوتمند و بیدین را اودام و درم -

بزرگی فرمود - خود را در وقت نگاه باید داشت هنگام طعام خوردن و هنگام کلام کردن اقلیداس فرمود - درد و برادر خصومت میفکس که این با مر جزوی یکی خواهند بود و بدی تو همچنان خواهد ماند -

صاحب دلی فرمود - دنیا دار مکان فاست اگر با کسی نیکی کنی دیگران هم بخزای آن گرانند و اگر بدی کنی بسزای آن برآیند -

فقیری فرمود - در رویش را دو چیز شکسته بهترست - یکی دل و دیگری نفس -
همچنین دو چیز مستحکم خوشتر - یکی ایما و دیگری اعتقاد -

امام فخرالدین رازی فرمود - دوستان خدا در محنت و بلا مضطر نباشند که محنت و بلا

صراطیت گذرگاه مردان خدا -

صاحب دلی فرمود - نفع سکوت زیاده است از نفع سخن گفتن و ضرر سخن گفتن زیاده است از ضرر سکوت -

سقراط فرمود - هر فعلیکه بوجود تو موجود باشد تا از خود دفع کنی کسیر از آن منج کنی -

حکیم زیتون بن طالمو غورس فرمود - در دنیا از همه کارها شکار نفس نمودن شناختن و راز پنهان داشتنت -

حکیم غورس فرمود - تو انگری بدن از ما است و تو انگری نفس از عقل و آن هر دو یعنی بدن و مال

فانیست و این باقی -

حکایت - در شکر اسکندر شخصی اسکندر نام داشت و در جنگ اکثر گزیر میگردانید او را طلبید و گفت یا تبدیل نام کن یا کار عدیل نام -

حکیم انکاس فرمود - چندان شیرین مشو که بخلق فرو برند و چندان تلخ مباش که از زبان بیگسند -

سعادی فرمود - چند آنکه و انار از انار و انار از انار و انار از صحبت و انار از شکت -

بزرگهس فرمود - که بزرگترین پادشاهان آنست که نیکوکاران از وی فرسند و گنهگاران از وی بترسند -

شاه ولی الله محدث دهلوی فرمود - صحبت برابر و اختیار بعمر دراز اثر نپذیرد و صحبت اشهره و فجار جلد تر اثر میگیرد -

صاحب دلی فرمود - زبازرا بعد سکوت در بند تا نخواسته نگویید - و پانی را بگند سکون

مقید ساز تا خواندہ نرود۔

حکیم قینا غورس فرمود۔ میا لائید زبان خود را بدست نام و گوش خود را ضایع
کنید بشنیدن آن۔

سعدی فرمود۔ پادشاہان نصیحت خردمندان ازان تمنا جتراند کہ خردمندان بکلامت
پادشاہان۔

مضاحکہ۔ شخصی حکیم او برس گفت کہ در اشعار بسیار دروغ میگوید گفت مسن شعر
در دروغت اگر راست میخواهی نزد غیرال برو۔

ابوبکر و سراق فرمود۔ اگر طمع را پرسند کہ پدر تو کیست گوید شک در مقدمات کردگارے
و اگر گویند پیشہ تو چیست گوید بچیت حرام گرفتارے۔

حکیم ہمنیار بر مردبان فرمود۔ عقل روز غربت و تنہائی مونسست ہر کہ از لذت عقل
شفایافت باز اورا اندیشہ مرض و تمارض نمازد۔

حکیم فرمود۔ خردمند کریم مال از برای دوستان بشمارد۔ و بیخرد لیسیم از برادشمنان میگذازد۔
صاحب دلی فرمود۔ تفاوت میان درویش و گدا ہمینست کہ درویش دنیا ترک کرده باشد
و گدا ہمانکہ اورا دنیا ترک کرده باشد۔

شیخ نصیر الدین چراغ دہلوی فرمود۔ غم باں خردوں باید در پی کرامت بودن نشاید۔

حکیم اسفیاق فرمود۔ تعجب دارم ازکسانیکہ با احتمال ضرر از طعام مضر باک میدارند
ہم آخرت خود را از گناہان پاک میدارند۔

حکیمی فرمود - کسیکه بویفا را خدمت کند یا بروی اعتماد نماید آخر الامر امید گردد و باید بام فریب آسیر نشود -

حکیم سولون را پرسیدند که دوستان کجایند فرمود که سائیکه حاضرند دل آنها شاد کنی و آنها که غایبند بشکی یاد -

سقراط حکیم فرمود - نیک دو کسند عالم گویائی حق و خاموش شنوای حق -

سعدای فرمود - ملک از خود مندان جمال گیرد و دین از پرستیزکاران کمال پذیرد -

محقق فرمود - مردان دین با خود جنگی کنند که آنرا صلحی نباشد زیرا که نفس ضد دینست مرد

دین با ضد دین صلح نتواند کرد -

لقمان حکیم فرمود - وانا انست که بدل او خوف خدا باشد و لانی تعظیم انست که خدا را بشناسد -

حکیم فرمود - انسان را باید که بدوست و دشمن احسان نماید که از آن دوستی دوست زیاده تر

گردد و دشمنی دشمن کمتر -

ادریس علیه السلام فرمود - ناواں اگر چه بزرگ باشد آنرا بنظر بصیرت خود باید دید و انا اگر چه

خرد باشد او را بنظر حقیقت بزرگ باید فهمید -

معروف کرخی فرمود - صوفی اینجا همانست و تقاضای مهان بر منیر باں جناست که

سه مهان بادب منظونی تقاضای -

حکیم فرمود - با بجزواں در منزل و نسوسس او بخت آبروی بزرگی رنجیتنت و غبار دولت

و خوارمی ایگختن -

سعدای فرمود - اندیشه کردن که چه گویم به از پیشمانی خوردن که چرا گفتم

سقراط فرمود - بدترین خصلت کریم ترک عمل اوست و بهترین خصلت لیسیم ترک عمل اوست -

جالینوس فرمود - مریضی را که اشتها باشد از واسطه زندگی ازین تدریست که او اشتها
نباشد زیاده است -

یوسف ابوالحسن فرمود - همه نیکوئیها در خانه ایست و کلید آن تواضع و فروتنیست و
همه بدیها در خانه ایست و کلید آن مانی و منیست -

نصیحت عبادت موجب دفع اذیت و رفع عذاب و امنیست و معصیت باعث تنگی
رزق و فسارت کوفت -

رسول صلی الله علیه السلام فرمود - بدترین جایگاه بازار است و بهترین
جایگاه مسجد است -

علی کرم الله وجهه فرمود اُحذر الکبریاء اذا جاء واللئیم اذا شباع یعنی
بیدیش از جمله کبریم وقتیکه گرسنه شود - و برتر از جمله لئیم وقتیکه سیر کرده
خواجده عبد الله انصاری فرمود - در ظلمات خواهش نفسانی میا ساسه و از
کدورات و ساوس شیطانی بیرون آ -

شاه ولی الله محدث دهلوی فرمود - بزمان حدوث نفس گوشه گرفتن طریقه انیقہ صلی
سلفست بنگام هنگامه عموم از و گروه شریک یگروه بودن خود را ازین دور نمودنت -
عارفی فرمود - کسیکه تبرسد از کدامی شی بگریزد از او - و کسیکه تبرسد از خدا متقابر و
بسوی او و میل کند جانب او -

افلاطون فرمود - اگر دینکی رنجی بری رنج نماند و نیکی بماند - و اگر از بدی لذت

یا بی لذت نماند و بدی بماند۔

نکتہ۔ دوستی دوستان صادق راونقائی باشد۔ و دوستان کیسہ و کاسہ و پیالہ و نوالہ را بقای نباشد۔

رسول مقبول صلی اللہ علیہ وسلم فرمود۔ دو نعمتست کہ بیشترین خلق در آن منجیونند یکی تندرستی۔ دوم فراغت۔

علی کرم اللہ وجہہ فرمود۔ وفا کردن باہل عذر کہ عمد را بشکند حکم عذر دارد۔ و نیز و یک حق سبحانہ عذر کردن باہل عذر حکم وفا دارد۔

خواجہ عبد اللہ انصاری فرمود۔ خوشناسی را سرمایہ بیکران دامن و اندک خود را بہتر از بسیار دیگران دامن۔

عالمی فرمود۔ کسی کہ مریض شد بدوستی دنیا نیاید جلالت آخرت را بدوستی کہ مریض جلالت اشیا نمی باید چنانکہ باید۔

افلاطون فرمود۔ حکیم شمر کسی را کہ بلذتی از لذات دنیوی جاہل باشد و دارد۔ یا بصیبتی از مصیبتہا دنیوی زبان را بفریاد آرد۔

محقق فرمود۔ کہ بہترین یار آنست کہ قدیم العمد باشد کہ خیر الاشیا جدید باو خیر الافعال قدیمہا۔

حدیث گرامی و آرید فرزندان خود را ہر کہ گرامی دارد و فرزندان خود را گرامی دارد و خدا تعالی اورا در بہشت۔

خواجہ عبداللہ انصاری فرمود۔ ظلم اگرچہ بسیار است اما بسر آید۔ و ظالم اگرچہ جبار
ست آخر بسر آید۔

افلاطون فرمود۔ بادوست چنان معاملہ کن کہ بجا کم محتاج شوی۔ و بادشمن معاملہ چنان کن
کہ اگر حاکم عرض رو و ظفر ترا باشد۔

حاذقی فرمود۔ آدمی را چون کار با تدبیر موافق افتد بر صیانت رانی خویش تنگ
میفرماید۔ و چون مخالف گردد حوالہ بقدر میسپنماید۔

عیسی علیہ السلام فرمود۔ ہر کہ بعلم صحیح از روی انصاف بانفس بیمار خود معاملہ
خواہد نمود اورا حاجت طبیب نخواہد بود۔

حضرت بایزید را پرسیدند کہ سنت کہ است و فرض کہ ام فرمود۔ سنت تک
و نیاست و فرض صحبت مولا۔

عالمی فرمود۔ قدر شکرکنندہ از نعمت دہندہ بیشترست چہ شکر بانی ماند و نعمت فانی گردد۔
پادشاہی از عالمی پرسید کہ نصرت اہل ایمان در چند چیزست گفت در دو چیزست یکی
در ادای نماز۔ دوم توکل بر کرم کار ساز۔

بزرگمهر از اوستا پرسید درینجاں چہ تدبیر باید کرد۔ گفت حق خویشاں بگذاری و
توشہ آنجاں برداری۔

ایضاً کا فر نعمت را بذل نشاید اگرچہ مستحق باشد و شکرکنندہ را عطیہ محمودست گو غنی باشد۔
سقراط فرمود۔ فرصت زود در دست و دیر آئندہ در پنج زود آئندہ و دیر پائندہ۔

بقراط فرمود۔ تعظیم بزرگانِ خود قرار واقعی ناما آنا تا کہ بزرگ ہستی نیز بتعظیم توسعی نہایند۔

حدیث بدترین علمائے حق تعالیٰ آنا تہ کہ بنزد اہل ارادہ و بند۔ و بہترین ائمہ تہ کہ بنزد علمائے ارادہ۔

ابو عثمان دمشقی فرمود۔ چون چشمانِ ظاہر محرم و شہوت کشادہ گرد و چشمانِ باطن از نشا

نیکی بستہ گردد۔

ابو حفص حداد را پرسید کہ عبودیت چیست گفت ہر چہ ترکست ترک کنی و ملازم باشی

چیز را کہ فرمودہ اند۔

سقراط فرمود۔ عالم طبیب و نیست و مال مرض دین ہر گاہ طبیب بمرض گرفتار آید علاج دیگران

از و دشوار آید۔

یحییٰ بن خالد فرمود کہ چوں پارہ شود و شکستہ گردد۔ و ناکس و سفید چوں پارہ

شود متکبر گردد۔

حکیم زیتون بن طائوس غوری فرمود۔ از شمشیر تیز تر زباں فصاحت است و از ہمہ چیز ہا

چیز ہا سفید تر فصاحت۔

ادریس علیہ السلام فرمود۔ نافعترین چیز ہا مردم را قناعت و رضاست۔ و بدترین چیز ہا

حرص و غنبت۔

حدیث اولی ترین مردم کہ است کہ آغاز بسلام کند۔ و ہر کہ سخنی آغاز کند پیش از سلام

اور اجواب گوئید۔

حدیث۔ حق تعالیٰ ایماں بیاورد و گرد گرفت آزا بسخا و شرم۔ و کفر بیاورد و گرد گرفت از بخل و علم